

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پروپوزال اصلاحات

۹۳۱۰۹



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

موضوع:

## بررسی افزایش نقش مجمع تشخیص مصلحت نظام و تأثیر آن در سیاست‌گذاری‌های کشور

۱۳۸۳ / ۱۰ / ۸

نگارش:

کیوان جیریایی

استاد راهنما:

آقای دکتر حمیدرضا ملک محمدی

استاد مشاور:

خانم دکتر الهه کولائی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد  
در  
رشته مطالعات ایران و سیاست‌گذاری عمومی

مهر ۱۳۸۳

۲۳۱۰۹

رئیس‌جمهوری  
جمهوری اسلامی ایران



بنام خدا  
دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

گروه آموزشی علوم سیاسی

گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد آقای / خانم کیوان جیریایی

در رشته مطالعات ایران و سیاستگزاری عمومی گرایش

عنوان: بررسی افزایش نقش مجمع تشخیص مصلحت نظام و تاثیر آن در سیاستگذاریهای کشور را در

تاریخ ۱۳/۷/۸۳

به عدد به حروف

با نمره نهایی: ۱۸٫۵ هجده و نیم

و درجه: عالی

| ردیف | مشخصات هیات داوران                            | نام و نام خانوادگی     | مرتبه دانشگاهی | دانشگاه یا موسسه          | امضاء |
|------|---|------------------------|----------------|---------------------------|-------|
| ۱.   | استاد راهنما<br>استاد راهنمای دوم (حسب مورد): | دکتر حمیدرضا ملک محمدی | استادیار       | دانشکده حقوق و علوم سیاسی |       |
| ۲.   | استاد مشاور                                   | دکتر الهه کولایی       | دانشیار        | دانشکده حقوق و علوم سیاسی |       |
| ۳.   | استاد مدعو (پا استاد مشاور دوم)               | دکتر احمد موثقی        | استادیار       | دانشکده حقوق و علوم سیاسی |       |
| ۴.   | استاد مدعو                                    |                        |                |                           |       |
| ۵.   | نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی:     | دکتر احمد نقیب زاده    | استاد          | دانشکده حقوق و علوم سیاسی |       |

تذکر: این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد.

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم

که موفقیت اندک خود را مدیون الطاف و زحمات فراوان آنان می دانم.

«من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق»

بر خود لازم می دانم از اساتید گرانقدر:

آقای دکتر ملک محمدی

خانم دکتر کولایی

و آقای دکتر موثقی

که با راهنمایی های خود مرا در تدوین این پژوهش یاری نمودند تقدیر و سپاسگذاری نمایم. همچنین از تمام کسانی که در مراحل مختلف تدوین این پژوهش به هر نحوی بنده را مورد لطف خود قرار داده اند تشکر و قدردانی می کنم. به امید موفقیت تمامی آنان.

## چکیده

مجمع تشخیص مصلحت نظام یکی از نهادهای مهم در عرصه ساستگذاریهای جمهوری اسلامی ایران می باشد. با نگاهی به عملکرد این نهاد در دوره های مختلف متوجه نواساناتی در میزان نقش آن در سیاستهای کشور می باشیم. به نحوی که در ابتدای شکل گیری، نقش و عملکرد آن بسیار پررنگ بود، اما پس از مدتی کاهش محسوسی در نقش آن مشاهده می شود. این روند تا سال ۱۳۷۶ ادامه می یابد، تا اینکه دوباره شاهد افزایش چشمگیر نقش آن می باشیم.

حال سوالی که مطرح می شود این است که: چرا نقش مجمع تشخیص مصلحت نظام دارای چنین نواساناتی بوده است. در حقیقت چه مسأله ای موجب افزایش مجدد نقش مجمع در دوره اخیر، یعنی پس از سال ۱۳۷۶، شد و این افزایش چه نمودی در سیاستهای کشور داشته است؟

با شکل گیری روند اصلاحات، گروهها و جریانهای سیاسی کشور را به دو گروه کلی اصلاح طلبان و محافظه کاران می توان تقسیم کرد. گروه اول را در نهادهایی مانند ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی و گروه دوم را در نهادهایی مانند شورای نگهبان، قوه قضائیه، صدا و سیما و ... می توان مشاهده کرد. بیشترین نمود درگیریها و منازعه های سیاسی این دو گروه در تنش میان مجلس به عنوان یک نهاد نوگرا و طرفدار اصلاحات و شورای نگهبان به عنوان یک نهاد سنت گرا بر سر تصویب قوانین قابل مشاهده بود. این امر منجر به ارسال مصوبات اختلافی برای تعیین تکلیف به مجمع تشخیص مصلحت نظام شد و این خود، افزایش نقش مجمع در سیاستگذاریهای تقنینی کشور را باعث شد. از طرف دیگر مجمع در این دوره در زمینه تدوین سیاستهای کلی کشور نیز فعالیت خود را آغاز کرد به گونه ای که در تمام عرصه ها اقدام به تدوین سیاستهای کلی نمود.

## فهرست مطالب

| صفحه | عنوان                                     |
|------|---|
| ۲    | مقدمه                                     |
| ۳    | طرح مسأله پژوهش                           |
| ۴    | سوال اصلی                                 |
| ۴    | سوالات فرعی                               |
| ۴    | فرضیه                                     |
| ۴    | روش اجرای طرح                             |
| ۵    | ابعاد موضوع پژوهش                         |
| ۵    | نگاهی به ادبیات موجود پیرامون مسأله پژوهش |
| ۶    | هدف و اهمیت پژوهش                         |
| ۶    | سازماندهی پژوهش                           |
| ۷    | تعریف مفاهیم                              |
| ۷    | ۱- گفتمان سنت گرایی ایدئولوژیک            |
| ۸    | ۲- گفتمان جامعه مدنی                      |
| ۹    | ۳- تحولات ساختاری - جمعیتی                |
| ۹    | ۴- سیاستگذاری                             |
| ۱۰   | ۵- سیاستهای کلی                           |
| ۱۳   | ۶- اصلاحات و محافظه کاری                  |
| ۱۴   | ۷- ابعاد و زمینه های اصلاحات              |
| ۱۵   | ۸- انواع اصلاحات                          |
| ۱۵   | ۹- اصلاح طلبی                             |
| ۱۷   | منابع مقدمه و کلیات                       |

فصل اول: ماهیت نظام سیاسی ایران بعد از انقلاب و تأثیر آن بر منازعات سیاسی ۱۸

|    |  |
|----|--|
| ۱۹ | مقدمه  |
| ۲۰ | قانونمندیهای مراحل بعد از انقلاب                                   |
| ۲۲ | ماهیت نظام سیاسی ایران بعد از انقلاب : گفتمان سنت گرایی ایدئولوژیک |
| ۲۷ | رهبری و گفتمان سنت گرایی ایدئولوژیک                                |
| ۲۹ | گروهها و نیروهای سیاسی بعد از انقلاب                               |
| ۳۱ | منازعات گروههای سیاسی بعد از انقلاب                                |
| ۳۱ | دور اول منازعات  |
| ۳۳ | دور دوم منازعات  |
| ۳۷ | فهرست منابع فصل اول  |
| ۳۹ | فصل دوم: علل و چگونگی تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام                  |
| ۴۰ | مقدمه  |
| ۴۲ | سابقه و سیر تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام                            |
| ۴۳ | الف- سیرتشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام قبل از بازنگری قانون اساسی     |
| ۴۴ | ۱- عامل ضرورت  |
| ۴۷ | ۲- مصلحت نظام  |
| ۵۳ | ب) مجمع تشخیص مصلحت نظام در بازنگری قانون اساسی                    |
| ۵۵ | ترکیب اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام                                  |
| ۵۷ | اداره امور مجمع  |
| ۵۷ | ۱- کمیسیونهای مجمع   |
| ۶۰ | ۲- دبیرخانه مجمع   |
| ۶۰ | ۳- شورای مجمع  |
| ۶۲ | صلاحیتهای و اختیارات مجمع تشخیص مصلحت نظام                         |
| ۶۳ | ۱- حل اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان                              |
| ۶۳ | ۲- حل معضلات نظام  |
| ۶۵ | ۳- مشاوره با رهبری   |
| ۶۵ |  |



|     |  |
|-----|--|
| ۶۷  | منابع فصل دوم  |
| ۷۰  | فصل سوم: زمینه ها و چگونگی شکل گیری اصلاحات                                  |
| ۷۱  | مقدمه  |
| ۷۲  | تسلط جریان راست سنتی   |
|     | شکل گیری راست مدرن (کارگزاران سازندگی) و تأثیر آن در تحولات سیاسی ایران      |
| ۷۵  |  |
| ۷۹  | بررسی رویکرد خصوصی سازی دولت هاشمی رفسنجانی و تأثیرات آن بر جامعه            |
| ۸۷  | تحولات ساختاری - جمعیتی و تأثیر آن بر شکل گیری اصلاحات                       |
| ۹۰  | تحولات ساختاری - جمعیتی در ایران   |
| ۹۰  | ۱- تحول جمعیتی   |
| ۹۱  | ۲- افزایش نسبت شهرنشینی  |
| ۹۲  | ۳- افزایش باسوادی  |
| ۹۳  | ۴- تحول در حوزه کتاب، مطبوعات و ارتباطات                                     |
| ۹۶  | ۵- تحول قشر روشنفکر  |
| ۱۰۳ | گفتمان جامعه مدنی  |
|     | منابع فصل سوم  |
|     | فصل چهارم: افزایش نقش مجمع تشخیص مصلحت نظام و تأثیر آن در سیاست‌گذارهای کشور |
| ۱۰۶ |  |
| ۱۰۸ | جریان اصلاحات و ضد اصلاحات بعد از سال ۱۳۷۶                                   |
| ۱۱۰ | ظهور تعابیر جدید از دین  |
| ۱۱۲ | ویژگیها و جهت گیریهای کلی جریان اصلاحات و ضد اصلاح                           |
| ۱۱۶ | سابقه تاریخی تعارضات میان مجلس و شورای نگهبان                                |
| ۱۲۰ | اختلافات مجلس ششم و شورای نگهبان   |
| ۱۲۳ | بررسی عملکرد مجمع تشخیص مصلحت نظام   |
| ۱۲۹ | بررسی نقش مجمع تشخیص مصلحت نظام در سیاست‌گذارهای کشور                        |

|     |   |
|-----|---|
| ۱۲۹ | ۱- تصویب مصوبات اختلافی                         |
| ۱۳۲ | ۲- تهیه و تدوین سیاستهای کلی نظام               |
| ۱۳۳ | تعریف سیاستهای کلی                              |
| ۱۳۴ | نقشهای اصلی سیاستهای کلی                        |
| ۱۳۵ | ویژگی های سیاستهای کلی                          |
| ۱۳۷ | تعریف سیاستهای کلی نظام و مصادیق آن از نظر مجمع |
| ۱۴۰ | منابع فصل چهارم                                 |
| ۱۴۵ | جمع بندی و نتیجه گیری نهایی                     |
| ۱۵۱ | فهرست منابع                                     |

# مقدمه و کلیات

## مقدمه

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین قانون اساسی، انتظار می رفت حرکت کلی جامعه و دستگاههای دولتی در چارچوب قانون اساسی بدون هیچ مشکلی به پیش رود. چرا که تصور می شد در قانون اساسی و احکام اسلامی هر آنچه برای اداره جامعه لازم است، پیش بینی شده است. اما با گذشت زمان، مشخص شد مشکلات زیادی وجود دارد که راه حلی در قانون اساسی و احکام اسلام برای آنها پیش بینی نشده است. یکی از این مشکلات در اختلافات میان مجلس و شورای نگهبان بر سر تصویب قوانین بروز یافت. در بعضی مواقع مجلس بر اساس مصالح جامعه و نظام، اقدام به تصویب قانونی می کرد، ولی شورای نگهبان آن را مغایر احکام اولیه اسلام یا قانون اساسی می دانست. از طرف دیگر مجلس با دیدگاه ضرورتی و مصلحتی، تصویب چنین قوانینی را لازم می دانست (مانند قانون کار و ...). این مسأله امر قانونگذاری را با تنگنا مواجه ساخت. برای برون رفت از این تنگنا مجمع تشخیص مصلحت نظام تشکیل شد تا در مواقع بروز چنین اختلافاتی، به حل آن بپردازد. مجمع بعد از بازنگری قانون اساسی در اصل ۱۱۰ و ۱۱۲ قانون اساسی جای گرفت. بعد از دوران اولیه شکل گیری که مجمع دوره پرکاری را سپری کرد در دوره های بعدی (مجالس چهارم و پنجم)، شاهد کاهش نقش آن هستیم. مجدداً پس از شکل گیری جریان اصلاحات و روی کار آمدن اصلاح طلبان شاهد افزایش تحرک و نقش این نهاد بودیم. ما در این پژوهش درصدد بررسی چگونگی و دلایل این افزایش نقش مجمع و تأثیر آن بر سیاستگذاریهای کشور می باشیم.

### طرح مسأله پژوهش

نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۶۶ به فرمان امام خمینی برای حل اختلافات میان مجلس و شورای نگهبان در عرصه قانونگذاری تشکیل شد و در بازنگری قانون اساسی سال ۱۳۶۸ وارد قانون اساسی شد. در سالهای اخیر و به خصوص با شکل گیری جریان اصلاحات و ورود اصلاح طلبان به دایره قدرت در جمهوری اسلامی، شاهد افزایش نقش و تحرک بیشتر این نهاد در عرصه سیاستهای کشور هستیم. به گونه ای که این نهاد به یکی از قدرتمندترین ارکان نظام تبدیل شده است.

در این پژوهش تلاش می شود تا از یک طرف دلایل این افزایش نقش و از طرف دیگر تأثیری که این افزایش در سیاستگذاریهای کشور داشته است را از موضعی بیطرفانه و بدون جهت گیری ارزشی مورد بررسی قرار دهیم.

### سوال اصلی

سوال اصلی ما در این پژوهش اینگونه طرح شده است: چرا نقش مجمع تشخیص مصلحت نظام بعد از سال ۱۳۷۶ ( یعنی وقتی اصلاح طلبان وارد دایره قدرت نظام شدند) افزایش یافته است و این افزایش چه نمودی در سیاستگذاریهای کشور داشته است ؟

### سوالات فرعی

در کنار پرسش اصلی، پرسشهای فرعی نیز وجود دارند که در این پژوهش به آنها پاسخ داده خواهد شد.

چرا و چگونه مجمع تشخیص مصلحت نظام به وجود آمد ؟

جنبش اصلاحات در ایران چرا و چگونه شکل گرفت ؟

مواضع فکری و سیاسی اصلاح طلبان و محافظه کاران چه تأثیری در درگیریها و منازعات میان نهادهای قانونگذاری کشور داشته است؟

دلایل منازعات میان نهادهای دخیل در امر قانونگذاری کشور (مجلس و شورای نگهبان) چه می باشد؟

### فرضیه

فرضیه ما در جواب سوال اصلی اینگونه می باشد:

با شکل گیری روند اصلاحات بعد از ۱۳۷۶ و به خصوص تشکیل مجلس ششم در سال ۱۳۷۸، اختلافات میان مجلس به عنوان یک نهاد نوگرا و طرفدار اصلاحات و شورای نگهبان به عنوان یک نهاد سنت گرا، افزایش یافت. این امر سبب تنش و منازعه در عرصه قانونگذاری کشور گردید. از این رو نقش مجمع (به عنوان مسئول حل اختلافات مجلس و شورای نگهبان، بر طرف کننده معضلات نظام و تعیین کننده سیاستهای کلان کشور) در سیاستگذاریهای کشور افزایش یافت.

### روش اجرای طرح

در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی برای یافتن پاسخ پرسشهای مطرح شده استفاده می کنیم. مطالعه مواضع گروههای سیاسی و منازعات میان آنها و آمار مربوط به مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام از جمله منابع اصلی ما هستند.

### ابعاد موضوع پژوهش

سطح تحلیل ما در بررسی فرضیه پژوهش، سطح تحلیل خرد و فرمولی است. از لحاظ زمانی این پژوهش از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۲ را در بر می گیرد.

### نگاهی به ادبیات موجود پیرامون مسأله پژوهش

در زمینه پژوهش حاضر کار منسجم و مدونی صورت نگرفته است. صرفاً کتابها و مقالاتی در مورد سیر تاریخی شکل گیری مجمع تشخیص مصلحت نظام، گروههای سیاسی و مواضع آنها و شکل گیری جریان اصلاحات موجود می باشد.

برای نمونه به منابع زیر می توان اشاره کرد:

کتابهای «تشخیص مصلحت نظام (از دیدگاه فقهی و حقوقی)» نوشته محمد جواد ارسطا و «بررسی تحلیلی وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام» نوشته محمد باقر فقیه به بررسی چگونگی شکل گیری مجمع و وظایف این نهاد پرداخته اند ولی نقش آن نهاد در سیاستگذاری های کشور و چگونگی و علل افزایش آنرا بررسی نکرده اند.

در زمینه گروهها و جناههای سیاسی کشور و مواضع آنها کتابهایی نظیر «کالبدشکافی جناههای سیاسی ایران از ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۸» نوشته حمید رضا ظریفی نیا، «جناح بندی سیاسی ایران از دهه ۱۳۶۰ تا دوم خرداد ۱۳۷۶» نوشته مسعود برزین و مقالات علیرضا علوی تبار در شماره های مختلف راه نو موجود می باشند که در آنها چگونگی شکل گیری و مواضع جناح های سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی بررسی شده است ولی در هیچ یک اشاره ای به تاثیر آنها بر وظایف مجمع نشده است.

در مورد چگونگی شکل گیری اصلاحات نیز کتاب «دبیاچه ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران» نوشته دکتر بشیریه و بسیاری از کتابها و مقالات دیگر وجود دارند اما به طور مستقیم تاثیر این جریان بر مجمع تشخیص مصلحت نظام را بررسی نکرده اند.

ما در این پژوهش این مسأله بررسی کرده ایم.

### هدف و اهمیت پژوهش

در جمهوری اسلامی ایران نهادهای گوناگونی وجود دارند که در عرصه تدوین سیاستهای کشور نقش دارند. شناخت سیاستها و آگاهی نسبی به تحولات قدرت بیش از هر چیز نیاز به بررسی ماهیت، ساختار و اصول مدون این نهادها دارد. از جمله این نهادها، مجمع تشخیص مصلحت نظام می باشد که به تعبیری کلیدی ترین نقش را در زمینه تدوین سیاستهای کلان کشور بر عهده دارد. بدیهی است که بدون شناخت این نهاد، فهم از تحولات سیاستگذاری کشور ناقص و ناکافی می باشد. براین اساس در این پژوهش هدف ما بررسی این نهاد و نقش افزایشی آن در سیاستگذاری های کشور می باشد. این امر کمک زیادی به ما در فهم حقیقتهای سیاستگذاری در ایران می کند.

### سازماندهی پژوهش

پژوهش حاضر شامل یک مقدمه و کلیات، چهار فصل و یک جمع بندی و نتیجه گیری می باشد. در مقدمه و کلیات طرح پژوهش و مفاهیم اصلی را مورد بررسی قرار می دهیم. در فصل اول ماهیت نظام سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی بررسی می کنیم. در فصل دوم سیر تاریخی و علل شکل گیری مجمع تشخیص مصلحت نظام را بررسی می کنیم. در فصل سوم چگونگی و علل شکل گیری اصلاحات و تأثیرات آنرا بررسی می کنیم. در فصل چهارم دلایل افزایش نقش مجمع و تأثیر آن در سیاستگذاریهای کشور را بررسی می کنیم. جمع بندی و نتیجه گیری.

### تعریف مفاهیم

مفاهیم اصلی ما در این پژوهش گفتمان جامعه مدنی، گفتمان سنت گرایی ایدئولوژیک، تحولات ساختاری - جمعیتی، اصلاحات، اصلاح طلبی، محافظه کاری، سیاستگذاری و سیاستهای کلی می باشد.



از آنجایی که اکثر این مفاهیم در متن توضیح و تشریح شده اند، به تعریف مختصر آنها بسنده کرده و مفاهیم اصلاحات، اصلاح طلبی و محافظه کاری را تشریح می کنیم.

### ۱- گفتمان سنت گرایی ایدئولوژیک

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فصل جدیدی از مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آغاز شد. تاسیس دولت جدید برآیند ائتلاف مهمترین نیروهای چالشگر علیه حاکمیت پیشین و استقرار نظامی جدید، مبنی بر ارزشهای اسلامی بود. این ارزشها بنیان گفتمان جدید را شکل داد و در پی آن بود تا امنیت از دست رفته دنیای سنتی را با بسیج توده ای و عرضه ایدئولوژی فراگیر باز گرداند. به طور کلی این گفتمان را می توان محصول فشارهای روحی ناشی از عصر مدرنیسم، گسیختگی اجتماعی و جامعه توده ای و برخاسته از احساس ناامنی طبقاتی توصیف کرد که از فرآیند نو سازی جامعه به شیوه غربی زیان روحی دیده بودند. این گفتمان خود مرکب از عناصر مختلفی چون نظریه سیاسی شیعه، برخی از وجوه پاتریمونیالیسم سنتی، برخی از عناصر مدرنیسم (مانند پارلمنتاریسم)، نوعی مردم گرایی و اقتدار کاریزمایی بوده است. این گفتمان عناصر و سازواره های گفتمان مدرنیست را به عنوان « دگر » ایدئولوژی خود تعریف کرده و سعی دارد دید سنتی خود از مذهب را به عنوان راه حلی برای مسایل اجتماعی دوران جدید بیاید. این گفتمان به ویژه با پلورالیسم، جامعه مدنی، لیبرالیسم، سنت روشنگری غرب و نیز ناسیونالیسم ایرانی سر ستیز داشته و در مقابل بر رهبری، انضباط اجتماعی و انقلابی، ارزشهای سنتی، نخبه گرایی سیاسی و کنترل فرهنگی تأکید گذاشته است. این گفتمان در پی ایجاد اتباعی مطیع و تابع اقتدارهای سنتی بوده است.

### ۲- گفتمان جامعه مدنی

در تاریخ سیاسی ایران به طور کلی در مقابل سه گفتمان پاتریمونیالیسم سنتی، مدرنیسم مطلقه پهلوی و سنت گرایی ایدئولوژیک، گفتمان جامعه مدنی به عنوان گفتمان مقاومت از دوره مشروطه به بعد در حال تکوین بوده است. لکن همواره در مقابل گفتمانهای هژمونیک مغلوب شده است. این گفتمان به کردارهایی چون محدودیت قدرت، قانونگرایی، مشارکت، رقابت، تحمل و تساهل، نو گرایی و قرائت

دموکراتیک از دین تأکید داشته است. از نظر تاریخی این گفتمان در ایران در سه دوره ظهور اصلی داشته است: دوره اول، در مقابل پاتریمونالیسم قاجار در قالب جنبش مشروطه ظهور یافت. دوره دوم، در مقابل مدرنیسم مطلقه پهلوی در قالب نهضت ملی و انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ظهور کرد و در دوره سوم در مقابل استیلای گفتمان سنتگرایی ایدئولوژیک پس از انقلاب اسلامی و بویژه پس از خرداد ۱۳۷۶ در قالب نهضت جامعه مدنی تجسم یافته است.

### ۳- تحولات ساختاری - جمعیتی

تحولات ساختاری - جمعیتی از بُعد تحول ساختاری، فراگردی است مبتنی بر تحول اجتماعی بر مبنای توسعه اقتصادی. دگرگونی اجتماعی فرآیندی است که طی آن بسیاری از شاخصهای جوامع توسعه نیافته به سمت بالا و یا تغییر حرکت می نمایند و این تحولات و دگرگونی ها معمولاً ناشی از اجرای برنامه های توسعه به وقوع پیوسته و در شرایطی خود عامل توسعه و نوسازی می گردند و از طرفی نوسازی لزوماً به معنای پیشرفت نیست. ولی معنی تغییر کاملاً از آن مستفاد می شود. به عبارت دیگر، همه جوامعی که به نوعی فرآیند نوسازی را آغاز نموده اند بعد از گذشت چند سال با تغییر در حوزه های فرهنگ، اقتصاد، سیاست و ... مواجه بوده اند.

تحولات ساختاری - جمعیتی از بعد تحول جمعیتی فراگردی است که طی آن بر اثر رشد بالای زاد و ولد و کاهش مرگ و میر ناشی از بالا رفتن امکانات بهداشتی به ناگهان در دوره زمانی معین عمده جمعیت را جوانان و نوجوانان تشکیل می دهند. این تغییر جمعیتی متأثر از تحولات ساختاری رفتارهای نو و جدید همراه با خواسته های نو را در جامعه مطرح می سازند. به عبارت دیگر به طور سریع و محسوس چهره جامعه دگرگون می گردد. براین اساس تحولات ساختاری - جمعیتی ناظر بر فرآیندی است که عمده شاخصهای اجتماعی را دچار تغییر و تحول می نمایند. این شاخصها عبارتند

از افزایش جمعیت، افزایش نسبت شهر نشینی، افزایش با سوادی، تحول در حوزه کتاب، مطبوعات و ارتباطات و تحول قشر روشنفکر.

#### ۴- سیاستگذاری

سیاستگذاری به معنای تعیین اهداف و خط مشی می باشد و یک سیاست مجموعه ای از اهداف، مقاصد و ابزارهای عملی است که به وسیله یک اقتدار ارائه شده است و گروهی آن را تعقیب می کنند.

سیاستگذاری در امر کشورداری عبارت از تعیین، تدوین و ارائه ضوابط و موازینی است که در آن مقتضیات کلی دولت اعمال و مصالح جمعی ملت تامین می شود. منظور از مقتضیات کلی دولت در درجه اول تثبیت حاکمیت، استقرار نظم و حفظ حدود و ثغور استقلال کشور می باشد و منظور از مصالح جمعی ملت، به کارگیری سیاستهای متنوع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، صنعتی، خدماتی، کشاورزی، بهداشتی و ... است تا در آن خواسته های مردم برآورده شود.

#### ۵- سیاستهای کلی

سیاستهای کلی محملی برای تعیین اولویتها در انجام امور و فعالیتها در جامعه می باشد. به بیان دیگر، همان گونه که هدفها، نتایج مورد نظر را مشخص می کنند و برنامه ها راه رسیدن به آنها را روشن می سازند سیاستهای کلی راهنمای عمل بوده، اولویتها و بایدها و نبایدها را معین می کنند. این سیاستها راه و رسم ارادی و توأم با قصد و نیت قبلی، برای تعیین خطوط کلی برنامه های بخش عمومی است. سیاستهای کلی، اصولی کلی اند که از ارزشهای حاکم بر جامعه، ایدئولوژی و ساختار اجتماعی و سیاسی موجود در کشور نشأت گرفته، به عنوان الگوی اصلح در عملکردها و اقدامات جامعه به کار می روند. به این ترتیب ارزشها، جهان بینی و ساخت اجتماعی - سیاسی موجود در جامعه، اجزای

تشکیل دهنده سیاستهای کلی هستند. به عبارت دیگر سیاستهای کلی، الگوی کلی فعالیتهای دولت در زمینه های مختلف می باشد که دارای اهداف و مقاصدی است.

به طور خلاصه می توان گفت: سیاستهای کلی، اصولی هستند که به وسیله مراجع ذی صلاح در کشور وضع شده اند و به عنوان یک الگو و راهنما، اقدامات و فعالیتهای لازم در جامعه را راهبری می کنند.

#### ۶- اصلاحات و محافظه کاری

واژه اصلاحات، جمع واژه اصلاح است. واژه اصلاح مصدری عربی است که در لغت نامه های فارسی و عربی معانی متعددی برای آن ذکر شده است که از آن جمله می توان به «درست و راست کردن، التیام دادن، به سامان کردن، سرو سامان دادن، دور کردن و ...» اشاره کرد.<sup>۱</sup>

اما اصلاحات به عنوان یک پروسه و فرآیند به چه معنی است: برای این که معنای اصلاحات روشن شود، ابتدا تعریفی از انقلاب و محافظه کاری، بی ارائه می دهیم تا از آن تعریف اصلاحات بیرون بیاید. به این دلیل که اصلاحات در مقابل محافظه کاری و انقلاب قرار می گیرد.

انقلاب پدیده ای است که از روزگاران کهن ذهن بشر را به خود مشغول داشته است. حتی متفکران جهان باستان هم به این پدیده پرداخته اند (از جمله ارسطو). به طور کلی انقلاب پدیده کم یابی است و عبارت است از «یک دگرگونی سریع، بنیادی و خشونت آمیز داخلی در ارزشها و اسطوره های مسلط بر یک جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری و سیاستهای حکومتی».<sup>۲</sup>

اما باید توجه داشت که هر پدیده ای که همراه خشونت باشد انقلاب نیست. دگرگونی و خشونت محض هیچ کدام نمی توانند پدیده انقلاب را به شایستگی توصیف کنند. هرگاه دگرگونی به معنای